

تحلیل نحوی و معنایی ادات در زبان فارسی

جلال رحیمیان (دانشگاه شیراز)

۱ مقدمه

در دهه‌های اخیر، دستور زبان‌های معتناهی، در قالب‌های سنتی یا جدید، برای زبان فارسی نگاشته شده است. چون زبان همواره تغییر و تطور می‌یابد، همگام با دگرگونی‌های پرشتاب آن، مقوله‌های دستوری نیز باید بازنگری و از نو تحلیل شوند. یکی از مقوله‌های مهم دستوری، که جای تحقیق جدی و همه‌جانبه دارد، مقوله ادات^۱ فارسی است.

بیشتر دستورها عناصر جمله را فاعل، گزاره‌ساز، مفعول، متمم فاعل، متمم مفعول و ادات می‌دانند. این عناصر را می‌توان به دو دسته اجباری و اختیاری، یا بنیادی و غیربنیادی، تقسیم کرد. فاعل، مفعول و گزاره‌ساز^۲ عناصر بنیادی جمله‌های بی‌نشان^۳ هستند.

جمله زیر، در نخستین قشر تجزیه، از گروه اسمی و گروه فعلی تشکیل شده است که، به ترتیب، در نقش فاعل و گزاره ظاهر شده‌اند. در دومین قشر تجزیه، گروه فعلی خود دربرگیرنده گروه اسمی و فعل است که هر کدام، به ترتیب، در نقش مفعول و گزاره‌ساز ظاهر شده‌اند و همگی اجباری‌اند:

1) adjuncts

۲) فاعل و مفعول اصطلاحات نقشی هستند، اما فعل اصطلاحی صوری است. از این رو، هنگامی که سخن از نقشی فعل در میان باشد، از واژه گزاره‌ساز استفاده خواهد شد.

۳) جمله بی‌نشان جمله‌ای است که هیچ عنصری از آن، به‌فرینه یا به‌هر شکل، حذف نشده باشد.

(۱) حسن کتاب را خواند.

اجباری بودن عناصر فوق، با بهره‌گیری از استدلال‌های نحوی، در جای خود اثبات شدنی است.

همه جمله‌های بی‌نشان، ضرورتاً، سه عنصر یادشده را دربر ندارند. مثلاً، این جمله، در عین بی‌نشان بودن، نیازی به مفعول ندارد:

(۲) بیمار مرد.

متمم فاعلی و مفعولی نیز دو عنصر اجباری جمله‌اند. در دو جمله زیر، کلمات پررنگ، به ترتیب، متمم فاعلی و متمم مفعولی هستند:

(۳) الف - پسر مهدی معلم است.

ب - ما این بچه را حسن می‌نامیم.

بنابراین، مهم‌ترین عناصر اجباری (بنیادی) جمله عبارت‌اند از فاعل، گزاره‌ساز، مفعول، متمم فاعلی و متمم مفعولی. بر این اساس، چهار الگوی زیر را می‌توان برای زبان فارسی در نظر گرفت:

(۴) ساده گسترده

لازم فاعل + گزاره‌ساز فاعل + متمم + گزاره‌ساز

متعدی فاعل + مفعول + گزاره‌ساز فاعل + مفعول + متمم مفعولی + گزاره‌ساز

جمله‌های زیر بر اساس الگوهای مذکور درست شده‌اند:

(۵) ساده گسترده

لازم مهدی آمد. علی سرباز شد.

متعدی حسن سیب را خورد. من بچه را حسین نامیدم.

برخی از صاحب‌نظران الگوی پنجمی را نیز مطرح می‌کنند که از عناصر ساختمانی زیر تشکیل شده است: فاعل + مفعول مستقیم + مفعول غیرمستقیم + گزاره‌ساز (مانند رضا کتابی را به مهدی داد). اما بر اساس الگوی نحوی این تحقیق، یعنی الگوی هادلستون و پولوم (Huddleston and Pullum 2002)، مفعول غیرمستقیم^۴، که تحت حاکمیت یک حرف اضافه ایفای نقش می‌کند، در جمله بی‌نشان جای ندارد.

عناصر مهم دیگری نیز در جمله هستند که، از نظر ماهیت، با عناصر یادشده متفاوت اند و به مفاهیمی از قبیل زمان، مکان، چگونگی و چرایی رخداد و امثال آن اشاره دارند:

(۶) الف - در تعطیلات به تبریز خواهیم رفت. (مقصد)

ب - اتوبوس از اصفهان عبور می‌کند. (مسیر)

پ - علی با بچه‌ها خوب رفتار می‌کند. (حالت)

ت - مهدی نامه را با عجله نوشت. (حالت)

ث - حسن سخن خود را با اعتراض بیان کرد. (شیوه)

عناصر نقش‌نمای مزبور، به‌رغم ویژگی‌های مشترک، به دو دسته اختیاری و اجباری تقسیم می‌شوند. از میان پنج گروه پررنگ به کاررفته در مثال‌های (۶ الف) تا (۶ ث)، سه گروه به‌تبریز، از اصفهان و خوب اجباری‌اند و حذف آنها جمله‌های غیر دستوری یا، دست‌کم، مبهم زیر را به دست می‌دهند:

(۷) الف - * در تعطیلات خواهیم رفت.

ب - * اتوبوس عبور می‌کند.

پ - * علی با بچه‌ها رفتار می‌کند.

برخلاف مثال‌های (۶ الف) تا (۶ پ)، گروه‌های حرف‌اضافه‌ای با عجله و با اعتراض در مثال‌های (۶ ت) و (۶ ث) کاملاً اختیاری‌اند و، لذا، حذف آنها هیچ خللی ایجاد نمی‌کند. عناصر دسته نخست، که به نوعی اجباری‌اند، متمم‌های قیدی خوانده می‌شوند؛ متمم نامیده می‌شوند چون اجباری‌اند، و قید خوانده می‌شوند چون نقشی مشابه نقش قیود دارند. مقوله‌های نحوی ایفاگر این نقش‌ها گروه‌های اسمی، قیدی و حرف‌اضافه‌ای هستند.

۲ اهمیت تحقیق

مقوله ادات در فارسی امروز نقشی بسزا در بیان افکار و مفاهیم مورد نظر سخنگو ایفا می‌نماید؛ اما این مقوله، به‌رغم اهمیت و نقش فراوانش، آن‌چنان که باید مورد عنایت دستورنویسان سنتی و حتی جدید قرار نگرفته است و بررسی و تحلیلی تازه را می‌طلبد. اکنون نزدیک به چهار دهه است که اصول زبان‌شناسی نوین به تدریج به جامعه علمی ایران راه یافته؛ اما، به‌رغم تلاش فراوان، زبان‌شناسی نوین هنوز در بسیاری از گروه‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌های ایران جایگاه درخور خود را پیدا نکرده است. در

بسیاری از این گروه‌ها، مباحث دستوری هنوز در همان قالب‌های سنتی تدریس می‌شوند و، از این رو، برای دانشجویان علاقه‌مند به مباحث زبان‌شناسی و دستوری، زمینه مناسبی فراهم نشده است. پیامد ارج‌نهادن به مباحث زبان‌شناسی در این گروه‌ها، بیگانگی فارغ‌التحصیلان زبان و ادب فارسی با اصول زبان‌شناسی نوین و ناکامی آنها در پاسخگویی به بسیاری از مسائل دستوری فارسی است.

۳ هدف تحقیق

ادات را، که از عناصر اختیاری جمله به حساب می‌آید، می‌توان از لحاظ نحوی و معنایی تحلیل و بررسی کرد. گروه‌های اسمی، قیدی و حرف‌اضافه‌ای، و همچنین بندهای ساده، همگی ابزار نحوی برای بیان مقوله معنایی ادات محسوب می‌شوند. از جنبه معنایی، ادات وسیله بیان مفهیمی از قبیل زمان، مکان، دلیل و حالت وقوع رخداد است. هدف این تحقیق بررسی، تحلیل و طبقه‌بندی آن دسته از عناصر اختیاری جمله است که در نقش ادات ظاهر می‌شوند. این عناصر از دو جنبه نحوی و معنایی مورد تدقیق و تحلیل قرار خواهند گرفت. این تحقیق، به ویژه، در پی تبیین و تشریح آن دسته از کاربردهای ادات است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بحث ادات تنها در محدوده جمله‌های نشاندار مطرح خواهد بود، زیرا، همان‌گونه که ذکر شد، این مقوله از عناصر اختیاری جمله به حساب می‌آید.

۴ روش تحقیق

ادات کاربردهای متنوعی دارند که در اینجا، با جمله‌های مثالی، ۱۶ کاربرد اساسی آنها، همراه با جزئیات، نشان داده خواهد شد. شیوه تحلیل براساس الگوی هادلستون و پولوم (Huddleston and Pullum 2002) است.

الگوی هادلستون و پولوم دستورزبانی عمومی، جامع، توصیفی و همزمان از انگلیسی معیار است. در این دستور، اصول نحوی و معنایی حاکم بر ساخت واژه، عبارت، بند و جمله به گونه‌ای تحلیلی تشریح شده است. تلاش جدی مؤلفان این اثر ارائه توصیفی هرچه ساده‌تر و به واقعیت نزدیک‌تر است. اهم مفاهیم موردنظر در آن الگو عبارت‌اند از سازه، ساخت سازه‌ای، مقولات نحوی، ساخت‌های دستوری و نقش‌های مربوط، و روابط معنایی.

۵ پیشینه تحقیق

دستورنویسان سنتی، از جمله شریعت (۱۳۶۴)، احمدی گیوی و انوری (۱۳۷۰) و ناتل خانلری (۱۳۷۰)، بخش محدودی از اثر خود را به بحث قیود یا قیدواره‌ها اختصاص داده‌اند. عمده این دستورها نگاهی صوری-ذهنی به مقوله قید دارند که، حاصل این نگرش، مخلوط شدن جنبه‌های صوری و معنایی قید است. از مهم‌ترین دستورهایی که در قالب‌های نو نگاشته شده، دستور باطنی (۱۳۴۸)، لازار (Lazard 1992)، غلامعلی زاده (۱۳۷۴)، میرعمادی (۱۳۷۶)، مشکوة‌الدینی (۱۳۷۹) و رحیمیان (۱۳۸۱) است. به‌رغم وجود نکات فنی و آموزنده درباره ادات در برخی از این آثار، هنوز نکات ناگفته در این باب فراوان است. زندی مقدم (۱۳۷۷)، در مقاله‌ای تحقیقی و ارزنده، به بررسی گروه قیدی، متمم و قیدواره پرداخته است. وی، پس از بیان شمه‌ای از توصیف این سه مقوله از زبان دستورنویسان ایرانی و غیرایرانی، برخی از تحلیل‌های مطرح زبان‌شناسی درباره این مقوله‌ها را شرح داده است. او، در چارچوب متیوز (Mathews 1981) و کوئرک و همکاران (Quirk et al. 1985)، به ارزیابی داده‌های فارسی پرداخته و، در پایان، با استفاده از دو ملاک دخالت در عمل و وابستگی به فعل، راه تشخیص قید، قیدواره و متمم را نشان داده است. نکته‌گفتنی درباره تحقیق مذکور این است که محقق، در شرح سه مقوله موردنظر، کاملاً متکی به ملاک‌های ذهنی است و برای تعریف یا تمایز گروه‌هایی که در آن نقش‌های سه‌گانه ظاهر می‌شوند ملاکی صوری نشان نداده و نیز، برخلاف سنت رایج، اصطلاح قید را، که متعلق به مقوله‌های صوری است، به‌عنوان مقوله‌ای نقش‌نما به کار برده است که ممکن است گاهی ایجاد ابهام کند.

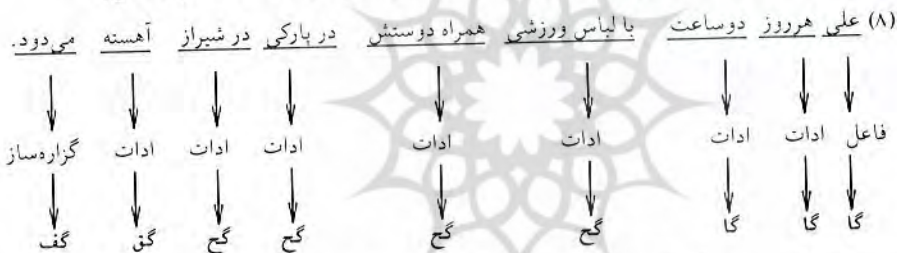
در زبان‌های غربی، به‌ویژه انگلیسی، تحقیقات فراوانی درباره ادات شده است. مثلاً، الکسیادو (Alexiadou 1997)، الکسیادو و پیتر (Alexiadou and Peter 2000)، لینزلینجر (Laenzlinger 1998)، سینک (Cinque 1999) و ارنست (Ernst 2002)، از دیدگاه نحوی، مقوله ادات را تحلیل کرده‌اند. همچنین دلفیتو (Delfitto 2000)، در مقاله‌ای، به‌طور مبسوط به ابعاد نحوی و معنایی قیود پرداخته است. ماینبرن (Mainborn 2001) نیز، در مقاله‌ای مفصل، به‌شکلی ماهرانه، جایگاه و نقش‌های معنایی قیود مکان را در زبان آلمانی بررسی کرده است. موسان (Musan 2002) نیز، در پرتو بررسی صورت‌های نقلی، به تحلیل ارتباط و تعامل میان قیود زمان و صورت‌های نقلی در زبان آلمانی پرداخته است.

به‌رغم پژوهش‌های گسترده در زمینه ادات، چامسکی (Chomsky 1995, p. 382) معتقد است که «ما هنوز صاحب نظریه ساخت سازه‌ای مطلوبی برای مسائلی ساده چون صفت‌های وصفی [...] و انواع گوناگون ادات نیستیم». لانگ و همکاران (LANG et. al. 2003)، ضمن تأیید نظر چامسکی، از دیدگاه دستوری، به بررسی نقش توصیفی ادات پرداخته‌اند.

۶ مقوله‌های نحوی ایفاگر نقش ادات

اگرچه هر یک از گروه‌های اسمی، فعلی، قیدی، وصفی و حرف‌اضافه‌ای نقش یا نقش‌هایی را به‌عهده دارند، در اینجا تنها گروه‌هایی کانون توجه‌اند که در نقش ادات ظاهر می‌شوند. گروه‌های قیدی، حرف‌اضافه‌ای و اسمی، همه، در نقش ادات ظاهر می‌شوند. به جمله زیر توجه کنید:

(گا: گروه اسمی، گج: گروه حرف‌اضافه‌ای، گق: گروه قیدی، گف: گروه فعلی)



برای تبدیل این جمله به جمله‌ای بی‌نشان، تنها وجود گروه اسمی علی و گروه فعلی می‌دود لازم است. در واقع، دو گروه اسمی هر روز و دو ساعت، چهار گروه حرف‌اضافه‌ای با لباس ورزشی، همراه دوستش، در پارکی و در شیراز و همچنین گروه قیدی آهسته، همگی، در نقش ادات ظاهر شده‌اند و همگی اختیاری هستند. از جنبه نظری، محدودیتی در تعداد ادات در یک جمله وجود ندارد. اینکه کدام یک از سه گروه اسمی، حرف‌اضافه‌ای و قیدی بیشترین کاربرد را در ایفای نقش ادات دارند بررسی آماری را می‌طلبد؛ اما، براساس تجربه، می‌توان گفت که، در مجموع، بسامد گروه قیدی کمتر از گروه‌های اسمی و حرف‌اضافه‌ای است. علاوه بر گروه‌های فوق، بندهای خودایستا^۵، ناخودایستا^۶ و بندهای کهن^۷ نیز می‌توانند در نقش ادات ظاهر شوند؛ اما، در این مقاله، درباره آنها بحث نخواهد شد. مثال:

5) finite

6) non-finite

7) minor clauses

- (۹) الف - اگر بیشتر تلاش می‌کردم، موفق می‌شدم. (بند خودایستا)
 ب - برای قانع کردنِ حسن به دانشگاه می‌روم. (بند ناخودایستا)
 پ - عرضم تمام، در پایان، تنها چند تذکر دارم. (بند کهنین)

۷ کلیات معنایی ادات

جمله‌های زبان جنبه‌های معنایی فوق‌العاده گسترده‌ای دارند و ادات یکی از مناسب‌ترین ابزارها برای بیانِ آنهاست. برخی از مهم‌ترین مفاهیمی که ادات، دربارهٔ رویدادها، به ذهن متبادر می‌کنند به این قرارند: وسیله، شیوه، حالت، کلیت رخداد، مکان، گسترهٔ مکانی و زمانی، تکرار، قیود توالی، درجه، تسلیم، قلمرو، وابستگی، ارزیابی، کنشی و رابط. جزئیات این مفاهیم، در ادامهٔ مقاله، بررسی خواهد شد.

۱-۷ وسیله، شیوه و حالت

مفاهیم وسیله، شیوه و حالت، به ترتیب، به ابزار، روش و چگونگی وقوع رخداد اشاره می‌کنند:

(۱۰) الف - رضا قفل را با شاه‌کلید باز کرد. (وسيله)

ب - پیام، با بهانه گرفتن، رضا را عصبانی کرد. (شیوه)

پ - رئیس با کارمند جدید بسیار صبورانه صحبت کرد. (حالت)

الف) وسیله. تحققِ برخی از رویدادها نیاز به ابزاری مادی دارند. یکی از راه‌های اشاره به ابزارِ تحققِ رخداد استفاده از گروه‌های حرف‌اضافه‌ای است. اهم حرف‌اضافه‌هایی که در این گروه‌ها به کار می‌روند عبارت‌اند از با، به وسیله، بدون و به کمک. این نوع گروه‌های حرف‌اضافه‌ای همواره یک گروه اسمی را تحت سیطرهٔ خود دارند. گاهی این گروه اسمی برای اشاره به ابزارِ مادیِ تحققِ رخداد به کار می‌رود. در مثال‌های (۱۱ الف) و (۱۱ ب) و (۱۱ پ)، گروه‌های اسمی قطار، پیک پشتناز و بلیت به پدیده‌هایی مادی و عینی اشاره دارند. گاهی گروه اسمی تحت سیطرهٔ یک گروه حرف‌اضافه‌ای مجرد است و به رابطه‌ای انتزاعی اشاره می‌کند، مانند گروه اسمی کمک در مثال (۱۱ ت). در این مثال نیز، به ناچار، از یک گروه اسمی دیگر (کتاب‌های حلِ تمرین) استفاده شده که مادی است:

(۱۱) الف - حسن با قطار به مشهد رفت.

ب - نامه را به وسیله پیک پشیمان فرستادم.

پ - بدون بلیت به فرودگاه نرو.

ت - به کمک کتاب‌های حل تمرین نمره قبولی آورد.

گاهی برای ذکر وسیله تحقق رخداد، به جای استفاده از گروه حرف اضافه‌ای، از گروه وصفی بهره می‌گیریم، مانند گروه وصفی تلفنی در این جمله:

(۱۲) من و رضا تلفنی با هم تشریک مساعی کردیم.

گروه‌های حرف اضافه‌ای نشان‌دهنده وسیله را در جمله‌های مجهول نیز می‌توان دید:

(۱۳) کوسه با نیزه کشته شد.

ب) شیوه. گروهی از ادات برای اشاره به شیوه بروز رخداد به کار می‌روند. این نوع ادات معمولاً در هیئت گروه‌های حرف اضافه‌ای ظاهر می‌شوند که از حرف اضافه با یا بدون، به همراه یک عبارت مصدری (یا اسم مصدر)، ساخته شده‌اند:

(۱۴) الف - مهرداد همیشه با قهر کردن به خواست‌هایش می‌رسد.

ب - این چربی‌ها بدون دویدن آب نخواهد شد.

پ - با کوشش به موفقیت دست خواهی یافت.

ت - با تنبلی به جایی نخواهی رسید.

از دیگر راه‌های بیان شیوه رخداد استفاده از فرمول از + راه/طریق + مصدر است:

(۱۵) از راه تهمت‌زدن نمی‌توان به هدف رسید.

پ) حالت. گاهی یک رخداد با ویژگی و حالت خاصی به وقوع می‌پیوندد. برای بیان چنین حالت‌هایی از قیده‌های پربسامدی استفاده می‌شود که به قیده‌های حالت معروف‌اند:

(۱۶) الف - سلیم مشکل را زیرکانه حل کرد.

ب - علی خدا را عاشقانه عبادت می‌کرد.

این نوع قیدها اغلب درجه‌پذیرند. در دو مثال زیر، واژگ تو و قید بسیار، به ترتیب، به میزان دو رخداد اشاره دارند. در مثال نخست، میزان صداقت مهدی در پاسخ‌دادن به سؤال‌ها با میزان صداقت پیام مقایسه شده است. در مثال دوم، سخن از میزان رعایت تعقل در انتخاب نماینده است:

(۱۷) الف - مهدی صادقانه‌تر از پیام به سؤال‌ها پاسخ داد.

ب - حسن در مورد انتخاب نماینده بسیار عاقلانه عمل کرد.

نحوه به‌کارگیری صورت عالی گروه‌های قیدی با شکل‌های تفضیلی تفاوت‌هایی دارد. اگرچه علامت قیدهای عالی در زبان فارسی واژگ‌ترین است، معمول‌ترین راه بیان قید عالی استفاده از شکل تفضیلی قید موردنظر به‌همراه عبارت از همه است:

(۱۸) الف - مهدی صادقانه‌تر از همه به سؤال‌ها پاسخ داد.

ب - حسن در مورد انتخاب نماینده عاقلانه‌تر از همه عمل کرد.

راه دیگری نیز برای بیان قید عالی وجود دارد، اگرچه بسامد آن به‌مراتب کمتر از شیوه نخست است. گروه قیدی عالی را می‌توان با فرمول به + قید عالی + شکل به‌کار برد. مثال (۱۹) را با مثال (۲۰) مقایسه کنید:

(۱۹) نخست‌وزیر به صمیمانه‌ترین شکل همتای خود را ستود.

(۲۰) نخست‌وزیر صمیمانه‌تر از همه همتای خود را ستود.

مثال (۱۹) ممکن است در بافتی به‌کار رود که ضرورتاً مقایسه‌ای در کار نباشد، بلکه نخست‌وزیر ستایش را به صمیمانه‌ترین شکل ممکن صورت داده باشد. مثال (۲۰) ممکن است در بافتی به‌کار رود که یک نفر ستایش را صمیمانه‌تر از دیگران انجام داده باشد.

راه سوم برای استفاده از قید عالی این است که گروه قیدی با یک اسم (مصدر) همراه شود:

(۲۱) نخست‌وزیر صمیمانه‌ترین ستایش را از همتای خود انجام داد.

مثال (۲۱)، نسبت به مثال‌های (۱۹) و (۲۰)، شمول معنایی بیشتری دارد. در واقع، این مثال، بسته به بافت، می‌تواند بیانگر هرکدام از معانی موردنظر در مثال‌های (۱۹) و (۲۰) باشد.

بعضی از گروه‌های قیدی که در نقش ادات ظاهر می‌شوند درجه‌پذیر نیستند:

(۲۲) ما این مشکل را جداگانه بررسی خواهیم کرد.

(۲۳) * ما این مشکل را جداگانه‌تر بررسی خواهیم کرد.

(۲۴) * ما این مشکل را جداگانه‌تر از همه بررسی خواهیم کرد.

بسیاری از قیود، از جمله قیدهای حالت، را می‌توان با افعال احساسی به‌کار برد:

(۲۵) من او را صمیمانه دوست دارم.

در زبان فارسی، به رسم معمول، فعل جمله با قید مقید می شود. مثلاً، در جمله (۲۶)، فعل صحبت کردن با قید صادقانه مقید شده است. حال، اگر جمله (۲۶) را به گونه ای تغییر دهیم که فعل جمله به اسم هم خانواده اش تبدیل شود، قید به صفت تبدیل نخواهد شد؛ در غیر این صورت، جمله را نمی توان پذیرفت. مثلاً، ساخت جمله (۲۷) را مشاهده و آن را با مثال (۲۸) مقایسه کنید:

(۲۶) رئیس صادقانه صحبت کرد.

(۲۷) صحبت صادقانه وی شایان تقدیر است.

(۲۸) * صحبت صادق وی شایان تقدیر است.

در زبان فارسی، برخلاف زبان انگلیسی، در مواردی مشابه که فعل به اسم هم خانواده خود تبدیل می شود، قید جمله، بدون تغییر، به صفت بدل می گردد؛ در زبان انگلیسی، اگر تغییر صورت نگیرد، ساخت نامقبولی به دست خواهد آمد. این مثال ها را با هم مقایسه کنید:

(29) a- The boss talked sincerely.

b- His sincere talk is appreciated.

c- * His sincerely talk is appreciated.

اگرچه وجه تمایز متمم و ادات در اجباری بودن اولی و اختیاری بودن دومی است، گاهی گروه قیدی در نقش متمم ظاهر می شود، و به ناچار، اجباری می گردد:

(۳۰) الف - حسن با همه محترمانه رفتار می کند.

ب - * حسن با همه رفتار می کند.

گاهی گروه های اسمی یا حرف اضافه ای بیانگر نقش ادات می شوند. اگر از گروه حرف اضافه ای استفاده شود، هسته گروه اغلب یکی از حروف اضافه با، بی یا بدون خواهد بود:

(۳۱) الف - رضا وظایفش را با وسواس زیاد انجام می دهد.

ب - مهدی نظرش را بی تعارف بیان کرد.

پ - معلم همه شاگردها را بدون ملاحظه تنبیه کرد.

گروه های قیدی و حرف اضافه ای را می توان به صورت همپایه به کار گرفت. در مثال زیر،

گروه قیدی خالصانه و گروه حرف اضافه‌ای با درایت به‌طور همپایه به‌کار رفته‌اند:

(۳۲) هیچ‌کس کارها را مثل جعفر خالصانه و با درایت انجام نمی‌دهد.

تمایز معنایی مهمی نیز میان قیده‌های حالت وجود دارد. بعضی قیود به وضعیتی اشاره می‌کنند که پس از تحقق رخداد ایجاد شده است، اما برخی دیگر به کیفیت تحقق رخداد دلالت دارند. مثلاً، در جمله (۳۳)، گروه قیدی به یکی از ویژگی‌های رنگِ اتاق اشاره می‌کند که پس از رنگ‌آمیزی حاصل شده است، در حالی که، در مثال (۳۴)، گروه قیدی به یکی از ویژگی‌هایی دلالت دارد که رضا در حال قضاوت از خود نشان داده است:

(۳۳) نقاش اتاق را بسیار زیبا رنگ کرد.

(۳۴) رضا در مورد مهدی کمی عجولانه قضاوت کرد.

۷-۲ کلیت رخداد

گروه‌های قیدی و حرف اضافه‌ای را می‌توان به‌گونه‌ای به‌کار گرفت که، به‌جای دلالت بر چگونگی وقوع فعل، به کل رخداد اشاره کنند. دو مثال زیر را با هم مقایسه کنید:

(۳۵) حسن اتاق را عمداً ترک کرد.

(۳۶) حسن عمداً دو دانش‌آموز را تنبیه کرد.

نقش عمداً در دو مثال فوق متفاوت است. در مثال (۳۵)، چگونگی ترک اتاق مطرح است، اما در مثال (۳۶)، عمدی بودن تنبیه، نه چگونگی آن، مدنظر است. ممکن است دانش‌آموز (ان) دیگری نیز تنبیه شده باشند، اما نه عمدی. حتی ممکن است هیچ دانش‌آموز دیگری، چه عمدی و چه غیرعمدی، تنبیه نشده باشد. البته نقش ویژگی‌های زبرزنجیری در انتقال این‌گونه تفاوت‌های معنایی بسیار مهم است. مثلاً، اگر در جمله (۳۵) بر روی هیچ‌کدام از عناصر جمله تکیه خاصی نباشد، قید جمله بیانگر حالت و چگونگی وقوع فعل خواهد بود؛ اما اگر یکی از عناصر جمله، مثلاً واژه اتاق، با تکیه خاصی بیان شود، آن‌گاه نقش گروه قیدی عمداً تغییر و، به‌جای ایفای نقش حالت، به کلیت رخداد اشاره خواهد کرد. برای آشنایی بیشتر با قیودی که به کلیت رخداد اشاره می‌کنند، دو مثال زیر را با هم مقایسه کنید:

(۳۷) الف - صدام بی‌شرمانه فقط از بعضی‌ها حمایت می‌کرد. (کلیت)

ب - بوش درباب اشغال عراق بی‌شرمانه سخن گفت. (حالت)

در مثال (۳۷ الف)، قید بی‌شرمانه نه به حالت بلکه به کل عملِ صدام اشاره می‌کند که بی‌شرمانه بوده است؛ اما همین قید، در مثال (۳۷ ب)، به حالت سخن گفتن بوش اشاره دارد. این دو نوع نقش متمایز، در یک جمله، قابل جمع است. مثلاً، در جمله زیر، بی‌شرمانه بیانگر کلیت عمل و به‌طور کامل نشان‌دهنده حالت عمل است:

(۳۸) صدام بی‌شرمانه فقط از بعضی‌ها به‌طور کامل حمایت می‌کرد.

۳-۷ مکان

عناصری که به مکان رخداد اشاره دارند، در عین حال، هم در نقش متمم واقع می‌شوند و هم در نقش ادات. همان‌طور که در ابتدا بیان شد، در این تحقیق، نقش متمم‌های قیدی مدنظر نخواهد بود. در مثال‌های (۳۹ الف) و (۳۹ ب)، دو گروه حرف اضافه‌ای در رستوران و در خانه، به ترتیب، به مکان شام خوردن و خوابیدن اشاره دارند:

(۳۹) الف - ما در رستوران شام خوردیم.

ب - رضا در خانه خوابیده است.

بعضی از گروه‌های حرف اضافه‌ای به تغییر مکان یا جهت اشاره دارند. مثلاً، در جمله (۴۰)، گروه حرف اضافه‌ای به طرف جنوب به جهت راه‌پیمایی اشاره دارد:

(۴۰) کاروان به طرف جنوب راه می‌پیمود. (جهت)

گاهی گروه حرف اضافه‌ای، ظاهراً، به محل رخداد اشاره دارد، اما با کمی دقت می‌توان دریافت که این گروه به مکان خاصی اشاره ندارد، بلکه وسیله‌ای است برای ایجاد ارتباط بین زمان و مکان رخداد، که برای شنونده نامعلوم است. مثلاً، در جمله (۴۱)، در مهمانی به زمان و محل برگزاری مهمانی دلالت ندارد؛ بنابراین، به این گروه فقط به دیده یک رابط معنایی می‌نگریم:

(۴۱) ما در مهمانی با آن استاد برجسته آشنا شدیم.

گاهی گروه حرف اضافه‌ای به محل مجازی رخداد اشاره دارد؛ در این حالت، محل تنها در ذهن متصور است. مثلاً، عبارت در کلاس به مکانی ملموس اشاره ندارد، بلکه تنها در ذهن متصور است. هسته این گروه معمولاً حرف اضافه در است:

(۴۲) الف - من هرگز در کلاس درسی ریاضی راحت نیستم.

ب - این موضوع را در کتابی قدیمی خواندم.

امکان جمع بین قیود مکان و متمم‌های مکانی وجود دارد. در مثال (۴۳)، گروه قیدی در شیراز قید مکان و به بلوار چمران متمم مکانی است:

(۴۳) در شیراز جمع زیادی از مردم جمعه‌ها به بلوار چمران می‌روند.

قیدهای مکان معمولاً با واژه کجا سؤالی می‌شوند:

(۴۴) حسن کجا با مهدی گفت‌وگو کرد؟

(۴۵) شما کجا زندگی می‌کنید؟

(۴۶) اجناس را کجا نگهداری می‌کنید؟

۷-۴ گستره مکانی و زمانی

قیود را می‌توان برای اشاره به مسافت به کار گرفت. این مفهوم به چهار شکل در جمله می‌آید: الف) مسافت به مفهوم کلی، ب) نقطه شروع، پ) نقطه پایان، ت) نقطه شروع و پایان. مثال‌های زیر، به ترتیب، به این مفاهیم اشاره دارند:

(۴۷) الف - این جوان هر روز ۸۰ کیلومتر راه می‌رود.

ب - از مدرسه پیاده آمدم.

پ - استاد را تا دانشگاه مشایعت کردیم.

ت - از شیراز تا تهران، پیوسته، با او بودم.

همان‌گونه که در مثال‌های فوق مشهود است، گروه اسمی برای بیان مسافت به مفهوم کلی و گروه حرف اضافه‌ای برای بیان دیگر مفاهیم به کار می‌رود. مفاهیم و روابط فوق درباره گستره زمانی نیز به کار می‌رود:

(۴۸) الف - جلسه ۶ ساعت طول کشید.

ب - از امروز بنزین گران می‌شود.

پ - همه زوار تا فردا مکه را ترک می‌کنند.

ت - این دانشجو باید از امسال تا سال ۱۳۸۶ در اروپا درس بخواند.

مفاهیم مکانی از لحاظ حرکت یا سکون نیز قابل بررسی‌اند. همه آنچه در مثال‌های (۴۸) آمده بیانگر نگرشی پویا به زمان است، اما در مثال‌های (۴۹ الف) تا (۴۹ ت)، مفهوم حرکت به ذهن متبادر نمی‌شود:

(۴۹) الف - این جاده ۲۰۰ کیلومتر است.

ب - مسابقه از میدان شهر شروع می‌شود.

پ - شهر تا آن سوی رودخانه گسترش یافته است.

ت - جاده از آبادان تا اهواز بین‌المللی است.

قیود مکان را می‌توان برای اشاره به ابعاد و جهات مختلف، از قبیل عمودی و افقی و امثال آن، به کار برد:

(۵۰) الف - هواپیما ۲۰۰ پا ارتفاع کم کرد. (عمودی)

ب - رضا ۷ کیلومتر دور زمین بازی دوید. (افقی)

۷-۵ تکرار

همان‌گونه که قیود کمیّت برای تعیین مقدار یا تعداد به کار می‌روند، از قیود تکرار برای نشان‌دادن تعداد یا تکرار رخداد استفاده می‌شود:

قیود تکرار قیود کمیّت

(۵۱) الف - ما دوبار مسابقه دادیم. ب - ما دو مسابقه دادیم.

پ - او همواره پیروز می‌شود. ت - از در همه مسابقه‌ها پیروز می‌شود.

ث - علی گاهی غایب می‌شود. ج - بعضی کتاب‌ها جالب‌اند.

قیود تکرار را، از جنبه‌ای، می‌توان به محدود و نامحدود تقسیم کرد:

(۵۲) الف - این شعر را شش بار خواندم.

ب - این شعر را هر روز می‌خوانم.

در مثال (۵۲) الف)، قید شش بار نشان می‌دهد که خواننده خواندن شعر را به مثابه عملی تام و تکراری انجام داده است. تام بودن عمل خود اشاره به محدودیت رخداد دارد. اما در مثال (۵۲) ب)، وجود قید هر روز به استمرار و تکرار رخداد دلالت دارد. استمرار عمل خود به نامحدود بودن واقعه اشاره دارد.

بعضی از افعال، بنابه ویژگی‌های معنایی خود، می‌توانند نشان‌دهنده تکرار باشند. مثلاً، فعلی چون سرفه کردن ممکن است به یک یا بیش از یک سرفه دلالت کند. فعل‌های دیگری از این دست عبارت‌اند از پلک زدن، خندیدن، گریستن و امثال آن.

قیدهای محدود در برگیرنده اعداد شمارشی، همراه با کلماتی چون بار، مرتبه، فقره و غیره، هستند. گاهی نیز گروه‌های حرف‌اضافه‌ای که با در شروع می‌شوند به عنوان قیدهای محدود به کار می‌روند، مانند در دو مورد، در آن وضعیت و غیره.

(۵۳) الف - رضا دوبار به مکه مشرف شده است.

ب - پیام چهار فقره جرم در پرونده دارد.

قیدهای نامحدود از قیدهای محدود متنوع‌ترند. واژه‌هایی چون همواره، اغلب، مدام، به‌ندرت و امثال آنها یک دسته از این قیودند. دسته دیگر شامل عبارتهایی است که از ترکیب گروه‌هایی چون دوبار، سه مرتبه، چهار فقره و امثال آنها، و گروه‌های حرف اضافه‌ای چون در روز، در هفته، در ماه، در سال و امثال آنها درست می‌شوند:

(۵۴) در این سازمان سه بار در ماه جلسه داریم.

۶-۷ قیود توالی

بعضی از قیدها برای اشاره به یک رخداد از مجموعه رخدادهای متوالی به کار می‌روند. نقش قید، در این حالت، بازتاب ترتیب زمانی رخداد مورد نظر نسبت به دیگر وقایع آن مجموعه است. اگرچه هریک از مثال‌های زیر به یک رخداد منفرد دلالت دارد، خواننده به تلویح درمی‌یابد که این رخداد بخشی از زنجیره‌ای از رخدادهای مشابه است. مثلاً، از جمله (الف ۵۵) می‌توان دریافت که پرتاب ماهواره دوبار دیگر نیز صورت گرفته است:

(۵۵) الف - چین امروز برای سومین بار ماهواره‌ای به فضا پرتاب کرد.

ب - رئال مادرید برای نهمین بار قهرمان اروپا شد.

پ - رضا دوباره اشتباهات خود را تکرار کرد.

۷-۷ قیود درجه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بعضی از قیدها یک ویژگی نسبی یا درجه‌پذیر به موصوف خود می‌دهند. این نوع قیدها را می‌توان با افعال، صفات و قیود به کار برد.^۸

(۵۶) الف - مهدی اشتباهات خود را کاملاً برطرف کرد. (قید فعل)

ب - حسین شعر بسیار زیبایی سرود. (قید صفت)

پ - این پسر نسبتاً مشتاقانه درس می‌خواند. (قید قید)

بسیاری از قیدها هم بیانگر حالت‌اند، هم بیانگر درجه. مثلاً، بد در مثال (الف ۵۷) قید حالت و در مثال (ب ۵۷) قید درجه است:

۸) قیدهای درجه‌پذیر قابل تقسیم به طبقات ریزتری نیز هستند که شرح آن در این مقال نمی‌گنجد.

(۵۷) الف - مهدی بسیار بد با دیگران صحبت می‌کند. (قید حالت)

ب - رضا خیلی بد از دست تو دلخور شد. (قید درجه)

۷-۸ قیود تسلیم

گاهی، بنابه شرایط، فرد در برابر یک رخداد راهی جز تسلیم ندارد. برای بیان مفهوم تسلیم قیدهای خاصی به کار می‌رود، از قبیل به‌ناچار، از روی اجبار و امثال آنها. این قیود معمولاً در قالب گروه‌های حرف‌اضافه‌ای ظاهر می‌شوند:

(۵۸) این بیچاره از بد حادثه به تو پناه آورده است.

(۵۹) به‌ناچار، به این قرارداد تن دادم.

۷-۹ قیود قلمرو

در هر زبان مفاهیم بی‌شماری وجود دارد که هر کدام متعلق به قلمرو خاصی است. فرهنگ، سیاست، اقتصاد، حکومت، تاریخ، فلسفه، زبان، ادب، فناوری، و هزاران مفهوم دیگر، هر کدام قلمرو خاصی را تشکیل می‌دهد. هرگاه فرد بخواهد راجع به یکی از این مفاهیم سخنی به میان آورد، واژه یا عبارت نشان‌دهنده آن قلمرو را به صورت گروه قیدی یا حرف‌اضافه‌ای به کار می‌گیرد:

(۶۰) الف - جامعه ما از نظر فرهنگی رو به بهبود است.

ب - عراق از بُعد اقتصادی مشکلات زیادی دارد.

پ - این قوم به لحاظ تاریخی رنج‌های فراوانی را تحمل کرده است.

ت - تقاضای این فرد شرعاً بی‌اشکال است.

۷-۱۰ قیود وابستگی

در زبان فارسی، بعضی قیود تحقق رخداد را مقید به شرط می‌کنند، مانند قیود شاید، احتمالاً، ضرورتاً، یقیناً و مانند آنها:

(۶۱) الف - شاید فردا به ملاقات حسن بروم.

ب - احتمالاً امشب باران خواهد بارید.

پ - حتماً نتیجه را به من بگو.

سخنگو قید وابستگی را اساساً برای بیان استنباط یا اظهار نظر خود در قبال قضایای مورد نظر به کار می‌برد.

۱۱-۷ قیود ارزیابی

شمار زیادی از قیود را برای ارزیابی و بیان نگرش خود نسبت به رخداد به کار می‌بریم. جملاتی که با این نوع قیود به کار می‌روند اصولاً به رخدادهای واقعی اشاره دارند:

(۶۲) خوشبختانه، معاون بد اخلاقی اداره برکنار شد.

(۶۳) متأسفانه، با تقاضای من برای انتقال موافقت نشد.

(۶۴) در کمال تعجب، زری در آزمایش رانندگی قبول شد.

همان‌گونه که در این مثال‌ها مشهود است، قیود ارزیابی هم در قالب گروه‌های حرف اضافه‌ای ظاهر می‌شوند و هم در قالب گروه‌های قیدی.

۱۲-۷ قیود کنشی

بعضی از قیود حالت را می‌توان به گونه‌ای به کار گرفت که، به جای اشاره به حالت انجام دادن فعل، به کل کنش گفتاری دلالت کنند. مثال‌های زیر را بنگرید:

قیود حالت

قیود کنشی

(۶۵) الف - خلاصه، و قتمان تلف شد. ب - ۱ حسن خلاصه صحبت کرد.

الف - ۲ مردانه، با من می‌مانی یا نه؟ ب - ۲ رضا مردانه مبارزه کرد.

در مثال‌های (۶۵ الف-۱) و (۶۵ الف-۲)، سخنگو، با استفاده از قید، نظر خود را راجع به تمامی جمله بیان می‌کند؛ اما در مثال‌های (۶۵ ب-۱) و (۶۵ ب-۲)، قید فقط حالت انجام دادن فعل را نشان می‌دهد.

۱۳-۷ قیود رابط

قیود رابط اصولاً برای بیان ارتباط بین دو عبارت، دو بند، دو جمله، و حتی دو پاراگراف به کار می‌روند:

(۶۶) الف - حسن بسیار درس خواند، به هر حال، در آزمون موفق نشد.

ب - رضا به دانشگاه رفت، در عوض کاسب خوبی شد.

پ - پیام، اگرچه تنبل است، بسیار باهوش می‌نماید.

قیود فوق روابط گوناگونی را نشان می‌دهند. با استفاده از قیود رابط می‌توان بسیاری از مفاهیم، از قبیل تضاد، تقابل، تشابه، جمع، توازن و غیره، را بیان کرد. ادات رابط به صورت گروه‌های حرف‌اضافه‌ای یا گروه‌های قیدی ظاهر می‌شوند.

۸ نتیجه‌گیری

پیشینه تحقیق در زبان فارسی نشان می‌دهد که مقوله ادات، به رغم نقش‌های فراوانی که در جملات دارد، در مباحث دستوری سنتی و حتی جدید جایگاه شایسته‌ای ندارد. در زبان فارسی، مانند دیگر زبان‌ها، عناصری هست که برای بیان مفاهیمی چون زمان، مکان، چگونگی و چرایی رخداد به کار می‌رود. این عناصر، در این تحقیق، به دو دسته اجباری (متمم‌های قیدی) و اختیاری (ادات) تقسیم شده‌اند. عناصر اختیاری، از آن‌رو که نسبتاً گسترده‌اند، موضوع عمده این تحقیق‌اند. ادات از دو جنبه صوری و معنایی بررسی و تحلیل شده‌اند و مشخص شد که گروه‌های حرف‌اضافه‌ای، گروه‌های اسمی و گروه‌های قیدی از ابزار صوری بیان ادات هستند و برای بیان ۱۶ مقوله معنایی در جمله به کار می‌روند.

منابع

- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی، فاطمی، تهران؛
 باطنی، محمدرضا (۱۳۴۸)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، امیرکبیر، تهران؛
 رحیمیان، جلال (۱۳۸۱)، دستور زبان فارسی: صورت، نقش و معنا، مرکز نشر دانشگاه شیراز، شیراز؛
 زندی مقدم، زهرا (۱۳۷۷)، «قید، متمم، قیدواره»، نامه فرهنگستان، س ۴، ش ۲، تابستان ۱۳۷۷، ص ۱۴۸-۱۷۱؛
 شریعت، محمدجواد (۱۳۶۴)، دستور زبان فارسی، اساطیر، تهران؛
 غلامعلی زاده، خسرو (۱۳۷۴)، ساخت زبان فارسی، احیاء کتاب، تهران؛
 مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۷۹)، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد؛
 میرعمادی، سیدعلی (۱۳۷۶)، نحو زبان فارسی (بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی)، سمت، تهران؛
 نائل خانلری، پرویز (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی، توس، تهران؛

- ALEXIADOU, A. (1997), *Adverb Placement: A Case Study in Antisymmetric Syntax*, Benjamins, Amsterdam;
- ALEXIADOU, A. and S. PETER (eds.) (2000), *Adverbs and Adjuncts* (Linguistics in Potsdam 6.), Potsdam, Universitätsbibliothek;
- CHOMSKY, N. (1995), *The Minimalist Program*, The MIT Press, Mass;
- CINQUE, G. (1999), *Adverbs and Functional Heads: A Cross-Linguistic Perspective*, Oxford University Press, Oxford;
- CORVER, N. and D. DENIS (2000), "Introduction: On Adverbs and Adverbial Modification", *Italian Journal of Linguistics* 12(1), pp. 3-11;
- DELFINO, D. (2000), "Adverbs and the Syntax / Semantics Interface", *Italian Journal of Linguistics* 12(1), pp. 13-53;
- ERST, T. (2002), *The Syntax of Adjuncts* (Cambridge Studies in Linguistics 96), Cambridge University Press, Cambridge;
- HUDDLESTON, R. D. and G. K. PELLUM (2002), *The Cambridge Grammar of the English Language*, Cambridge University Press, Cambridge;
- JOHNSTON, M. (1994), *The Syntax and Semantics of Adverbial Adjuncts*, Ph. D. dissertation, University of California, Santa Cruz;
- LAENZLINGER, C. (1998), *Comparative Studies in Word Order Variation: Adverbs, Pronouns and Clause Structure in Romance and Germanic*, Benjamins, Amsterdam;
- LANG, E. et al. (2003), *Modifying (the Grammar of) Adjuncts: An Introduction*, Mouton de Gruyter;
- LAZARD, G. (1992), *A Grammar of Contemporary Persian* (Translation from the French version of 1957 by A. L. Shirley), Mazda, New York;
- MAISBORN, C. (2001), "On the Position and Interpretation of Locative Modifiers", *Natural Language Semantics* 9, pp. 191-240;
- MATTHEWS, P. H. (1981), *Syntax*, Cambridge University Press, Cambridge;
- MUSAN, R. (2002), *The German Perfect, Its Semantic Composition and its Interactions with Temporal Adverbial*, Kluwer, Dordrecht;
- QUIRK, R. et al. (1985), *A Comprehensive Grammar of the English Language*, Longman;
- WISDFUHR, G. L. (1979), *Persian Grammar: History and State of its Study*, Mouton, New York.